

نگارش به مثابه سلوک
جلسه ۵۱. همراهی با ابراهیم
آقای رضا رحیمی فرد. ۵ بهمن ۹۵

همچنان بر دم و بازدم متمرکز باشید نفسهاتون یکنواخت و سرده چشم که باز میکنید خودتون رو در میان شعله های آتش مبینید آتش همه اطراف شما رو محاصره کرده اما همچنان نفسهای شما سرده بدنتون سرده و حتی احساس میکنین گردش خون در رگهای شما سرما رو تو بدنتون پخش میکنه کاملا سرگردان هستید از این شرایطی که درش قرار گرفتید گرمای آتش رو کاملا حس میکنید اما همچنان بدنتون سرده در همین شرایط احساس میکنید فردی به شما نزدیک میشه از حضور این آدم احساس دلگرمی و قوت قلب به شما دست میده با تمام وجود احساس میکنید این فرد ابراهیم خلیل الرحمانه دیگه سرگردان نیستید کاملا خودتون روبه ایشون میسپرید تسلیم محض هیچ چیزی جز این همراهی و این همسفر برای شما اهمیت نداره نجاهایی در درونخودتون احساس میکنید که این موقعیت شما رو به چالش میکشه و از شما دائم سوال میکنه از پاسخ میمانید و نمیدونید چه جوابی به خودتون بدید فقط میدونید که این سفر بدون همراهی ابراهیم خلیل ممکن نیست وقتی سفر به پایان میرسه شما هستید و این سوال که چطور از این دریای آتش به سلامت گذر کردید هر موقع آمادگی داشتید پاسخهاتون رو بنویسید.